

نسجاد صداقت

جریان مطالعات قرآنی در غرب، امروزه وارد فضایی تازه و پویا شده است. هر چه در ابتدای آشنایی غربیان و به طور ویژه مسیحیان و یهودیان با اسلام و به ویژه قرآن، مخالفت‌های فراوانی با آن صورت می‌گرفت اما امروزه مطالعات قرآنی و قرآن‌پژوهی در غرب به شکل آکادمیک در آمده و پژوهش‌های مهمی نیز بر روی قرآن توسط آنان انجام شده است. برای بحث درباره این موضوع و واکاوی آنچه در غرب پیرامون قرآن‌پژوهی انجام می‌شود، بهترین گزینه دکتر مهرداد عباسی است. عباسی عضو هیات علمی گروه فلسفه و کلام دانشنامه جهان اسلام و مدرس دانشگاه است و در طول سال‌های اخیر آثار متعددی را در این زمینه تالیف و ترجمه کرده است. او همچنین دبیر مجموعه «مطالعات قرآن و حدیث» انتشارات حکمت است. عباسی در گفت‌وگوی پیش رو با خیمه ضمن بیان تاریخچه و ویژگی‌های قرآن‌پژوهی در غرب نگاهی نیز به کارهای انجام گرفته و فعالیت‌های انجام نشده در ایران پیرامون این مطالعات دارد.

مواجهه غربیان با قرآن و مطالعات پیرامون آن در گفت‌وگو با مهرداد عباسی

مطالعات قرآنی در غرب جایگاه آکادمیک دارد

از چه زمانی غربی‌ها به پژوهش در باب قرآن علاقه‌مند شدند؟ به عبارت دیگر اگر بخواهیم تاریخچه‌ای از قرآن‌پژوهی در غرب داشته باشیم، چه



بازه زمانی را می‌توان برای آن در نظر گرفت؟

مواجهه غربیان و غیر مسلمانان با قرآن، تاریخی بس دراز دارد و فراز و فرودهای فراوانی را پشت سر گذاشته است. در بررسی آثار تالیف شده درباره قرآن در غرب، همچون هر پدیده دیگر، باید علل و زمینه‌های پیدایی آن را با توجه به سیر تاریخی و بستر شکل‌گیری آن کاوید؛ بی‌شک آنچه امروزه از آن با تعبیر «مطالعات قرآنی در غرب» یاد می‌شود زاینده تحولات تاریخی و متاثر از رخدادهای گوناگون فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است. درست همان‌طور که نویسندگان مسلمان به کتاب‌های مقدس ادیان دیگر به ویژه یهودیت و مسیحیت توجه کرده‌اند، محققان غیرمسلمان به ویژه عالمان یهودی و مسیحی نیز به قرآن گرایش داشته‌اند.

اولین تلاش‌های آنان در این زمینه به نخستین سده‌های اسلامی و سده‌های هشتم و نهم میلادی باز می‌گردد. به مدت چند قرن، عمده آثار مسیحیان درباره قرآن ریشه در مسائل جدلی داشت و در قالب ردیه‌نویسی‌های تند علیه



پدید آمدن فلسفه‌های جدید، مطالعات ادیان دست خوش تغییر و تحولات اساسی شد.

■ در حال حاضر قرآن پژوهی در غرب چه جایگاهی دارد و کارهایی که در این رابطه انجام می‌شود از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟

باید توجه داشت که رشته مطالعات عهدین در غرب که سابقه طولانی‌تری دارد بر شکل‌گیری مطالعات قرآنی به شکل امروزی‌اش تاثیر گذار بوده، به نحوی که مبانی، روش‌ها و ویژگی‌های اصلی رشته مطالعات کتاب مقدس به نوعی به رشته مطالعات قرآنی انتقال یافته است. در قرن هجدهم و نوزدهم، فرایند نقد کتاب مقدس اعتقاد به وحیانبیت عهدین را به حاشیه برد. بعدها، غربیان متخصص در زبان‌های سامی و آشنا با مطالعه تاریخی انتقادی عهدین با همان پیش فرض‌ها به سراغ قرآن رفتند و در مطالعه قرآن نیز همچون مطالعه عهدین پیش فرض‌های اعتقادی را بی‌ارتباط با کار پژوهش دانستند و کوشیدند این انگیزه‌ها و پیش‌انگاشته‌ها را در کار قرآن پژوهی داخل نکنند؛ بدین ترتیب، در مطالعه آثار قرآن پژوهی غربیان در دوره جدید باید به این نحوه نگرش آنان به متن مقدس توجه داشت.

دومین نکته آن است که مطالعات قرآنی در غرب عمدتاً به صورت آکادمیک و دانشگاهی انجام می‌گیرد و به عبارتی جایگاه این مطالعات محافل علمی با معیارهای شناخته شده در گفتمان آکادمیک است نه کلیسا و محافل دینی با معیارهای اعتقادی و مذهبی. بسیاری از پژوهش‌هایی که در سال‌های اخیر به دست ما می‌رسد، بسته به کشورهای مختلف، در دانشکده‌های مطالعات ادیان، مطالعات زبان‌های سامی، مطالعات خاورمیانه و نظایر این‌ها در دانشگاه‌های معروف دنیا انجام می‌شود و از جانب موسسات بزرگ انتشار می‌یابد؛ بنابراین، رویکرد کلی آن‌ها به مطالعات اسلامی و قرآنی اساساً با رویکرد ما متفاوت است. آنان موضوع را به اهداف ترویجی و تبلیغی و مدافعانه بررسی نمی‌کنند بلکه پژوهش‌های آنان در قالب تحقیقات علمی است و شاخه‌ای از پژوهش‌های کلی آنان درباره دین، زبان، تاریخ، ادبیات و نظایر این‌ها به شمار می‌آید. به همین دلیل است که در عمده موارد ساختار و محتوای قرآن پژوهی غربیان با آنچه ما در جامعه خودمان می‌بینیم کاملاً تفاوت دارد.

نکته سوم این است که مطالعات قرآنی در غرب پدیده‌ای تک‌صدایی نیست و پژوهشگران این حوزه در غرب رهیافت‌ها و روش‌های گوناگونی دارند و از این رو نتایج کارهایشان متفاوت است. مطالعات قرآنی به مثابه یک زمینه مستقل و تمام‌عیار، پژوهشی گفتمانی متنوع و متکثر

پیامبر اسلام و انکار و حیانبیت قرآن صورت می‌گرفت. در قرون وسطا این کار بسیار رواج داشت که غیرمسلمانان می‌خواستند جایگاه قرآن را به مثابه وحی الهی بی‌اعتبار کنند؛ اما در قرن پانزدهم میلادی، امپراتوری عثمانی (نماینده تمدن اسلامی) بر امپراتوری روم شرقی (نماینده تمدن مسیحی) در میدان جنگ و نبرد نظامی پیروز شد و این رخداد تاثیر مهمی بر نحوه نگاه غربیان به قرآن گذاشت. به این معنا که از آن پس اروپاییان قرآن را به عنوان کتاب مقدس امپراتوری عثمانی که تمدن غالب بود، می‌دیدند و مطالعه قرآن را از این زاویه آغاز کردند.

قرون شانزدهم تا هجدهم میلادی را می‌توان سده‌های آغازین و دوره اولیه شکل‌گیری اسلام‌شناسی در غرب دانست. در این سده‌ها قرآن به زبان‌های عمده اروپایی ترجمه شد. اگر چه ترجمه قرآن به زبان‌های اروپایی محملی برای شناخت عمیق‌تر و دقیق‌تر اسلام ایجاد کرد، شناخت‌های این دوره نیز بیشتر در خدمت اهداف جدلی و ردگرایانه قرار گرفتند. در این چند قرن همچنین دانشکده‌های مطالعات خاورشناسی در بسیاری از شهرهای مهم اروپا تاسیس شدند که در آن‌ها زبان‌های عربی، فارسی و ترکی تدریس می‌شدند. قرآن به مثابه یک متن توجه غربیان متخصص در فیلولوژی (به زبانی ساده یعنی مطالعه یک فرهنگ از طریق بررسی متونی که پدید آورده) را به خود جلب کرد و آثار فراوانی را درباره قرآن تالیف کردند. از قرن نوزدهم به این سو، به تدریج جریانی پدید آمد که بنا داشت فارغ از انگیزه‌های قرون وسطایی و دغدغه‌های نظام کلیسایی و در قالب مطالعه‌ای بی‌طرفانه و غیرجدلی به شناخت اسلام و قرآن بپردازد.

در اواسط قرن نوزدهم با پدید آمدن گفتمان خاورشناسی رفته‌رفته حوزه مطالعات اسلامی به عنوان حوزه مستقل پژوهشی سر برآورد و همگام با قواعد حاکم بر مطالعه علمی و پژوهش آکادمیک در دنیای مدرن به مطالعه اسلام و قرآن پرداخت؛ بنابراین آنچه در نوشته‌های تحقیقی با عنوان «مطالعات قرآنی در غرب» از آن یاد می‌کنند به طور خاص از اینجا آغاز می‌شود؛ چراکه پیش از این دوره، مواجهه غرب مسیحی با قرآن عمدتاً در قالب ادبیات جدلی و هم‌نوا با اهداف کلیسا بود. مطالعات قرآنی در غرب، به معنایی که مراد من است، با آثار کسانی چون «آبراهام گایگر» و «تئودور نلدکه» که هر دو آلمانی بودند پی‌ریزی شد.

از حدود یکصد و پنجاه سال پیش به این سو انگیزه‌های اسلام‌شناسی در غرب از دغدغه‌های کلیسایی و جدل فاصله گرفته و انگیزه‌های آکادمیک و علمی جایگزین آن شده است. در غرب، پس از دوره روشنگری و از میان رفتن حاکمیت کلیسا و غلبه یافتن گفتمان علم و تحقیق و



مطالعات

قرآنی در

غرب پدیده‌ای

تک‌صدایی نیست

و پژوهشگران

این حوزه در

غرب رهیافت‌ها

و روش‌های

گوناگونی دارند

و از این رو نتایج

کارهایشان

متفاوت است

مطالعات قرآنی مشغول هستند و شاید بتوان گفت امروزه معیار اصلی برای مقبولیت افراد در محافل آکادمیک نه جغرافیا و دین و فرهنگ بلکه برخورداری از ویژگی‌های لازم برای انجام پژوهش علمی نظیر تسلط بر زبان‌ها و منابع شرقی و غربی و رعایت آداب پژوهش و پاسداشت مقتضیات تحقیق آکادمیک است. بی‌شک از آغاز قرن بیست و یکم گسترش اینترنت و شبکه‌های اجتماعی نیز نقش مهمی در تسریع و تسهیل مبادلات گسترده علمی میان محققان مسلمان و غیرمسلمان داشته است. در مجموع باید گفت در دو دهه اخیر به سبب همین تعامل‌ها و تبادل‌های روزافزون فضای مطالعات اسلامی در غرب به طور کلی سوبه همدلانه‌تری به خود گرفته و فضای گفت‌وگو بیش از پیش گشوده شده است.

برخی از کارشناسان معتقد هستند پژوهش‌هایی که در غرب در رابطه با قرآن انجام شده، کارهای قابل اعتنا و اتکاتری نسبت به پژوهش‌های شرقی است؟ چگونه می‌توان این مسأله را تبیین کرد؟

در چند دهه اخیر در ایران برخی از کارهای شاخص مطالعات قرآنی به زبان فارسی ترجمه شده و انتشار یافته است، هر چند تعداد آن‌ها در مقایسه با حجم کارهای منتشر شده به زبان‌های اروپایی واقعا ناچیز است. در مجموع باید بگویم که ما دست کم در حوزه ترجمه آثار مطالعات قرآنی غربیان به زبان فارسی فاصله بسیار زیادی تا وضعیت مطلوب داریم. اگر بخواهم مشتقی نمونه خروار را مطرح کنم باید از ترجمه یکی از آثار مهم در مطالعات قرآنی غربیان یاد کنم. یکی از آثار کلاسیک در تفسیر پژوهی کتاب مشهور ایگناتس گلدتسیهر درباره

است به نحوی که شاید بتوان از حضور مکاتب گوناگونی در آن سخن گفت که برخی از آن‌ها شاید با برخی دیگر هیچ‌گونه سازگاری نداشته باشند. اسلام‌شناسان غربی نیز، همچون اسلام‌شناسان مسلمان و نظیر پژوهشگران هر رشته دیگری، زبان، فرهنگ، خاستگاه، مذهب و زمینه تحصیلی مخصوص به خود را دارند که حتما در مبانی و رویکرد کلی آن‌ها به اسلام و قرآن اثرگذار بوده است؛ همانطور که در میان محققان مسلمان افراد ظاهرگرا و تاویل‌گرا یا سنتی و تجدیدنظرطلب وجود دارند، چه بسا تقسیم‌بندی‌های مشابهی را بتوان در میان محققان غربی یافت.

مطالعات اسلامی در غرب به طور عام و مطالعات قرآنی به طور خاص جای خود را به عنوان زمینه‌ای پژوهشی در محافل آکادمیک غربی پیدا کرده و به تدریج ویژگی‌های مورد نیاز برای تبدیل شدن به این وضعیت را یافته و همچنان با سرعتی فزاینده در حال گسترش و تکمیل است.

فهم غربی‌ها از قرآن به چه صورتی است و پژوهش‌هایی که از شیوه‌های خاص فهم آن‌ها بر می‌آید به چه شکلی است؟

پژوهش‌های قرآنی غربی تا همین اواسط قرن گذشته، به سبب تفاوت‌ها و اختلاف‌های مبنایی پیش‌فرض‌ها و روش‌ها، تعامل چندانی با جوامع اسلامی نداشته و نتایج این تحقیقات اغلب با بی‌اقتبالی و کم‌توجهی مخاطبان مسلمان سنتی مواجه شده است. اما از دهه‌های پایانی قرن بیستم این وضعیت دستخوش تغییر و دگرگونی شده است. یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز این دگرگونی آن است که سالانه دانشجویان مسلمان بسیاری در پی مدارج عالی در مطالعات قرآنی و دیگر شاخه‌های مرتبط به دانشگاه‌های مهم اروپا، امریکا و کانادا وارد می‌شوند که بسیاری از آنان فرزندان نسل‌های بعدی مهاجران مسلمان به بریتانیا، فرانسه، آلمان و امریکای شمالی در دوران پس از استعمار هستند. زمینه‌های آموزشی و پیش‌فرض‌های آکادمیک این دانشجویان با همتایان غیرمسلمان آن‌ها تقریبا مشابه است و همین امر موجب کمرنگ شدن خط‌کشی‌ها و مرزهای پدیدآمده در ادوار پیشین میان این دو گروه شده است. یکی از پیشگامان این عرصه فضل‌الرحمان محقق پاکستانی بود که حدود ۲۰ سال استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه شیکاگو بود و از جمله منتقدان روش و دیدگاه‌های جان ونزبرو در کتاب مطالعات قرآنی به شمار می‌آمد. در دو، سه دهه اخیر، استادان و محققان مسلمان معتقد به مبانی اسلام در گوشه و کنار اروپا و امریکای شمالی به تحقیق و تدریس

مطالعات قرآنی
در غرب عمدتا
به صورت
آکادمیک و
دانشگاهی
انجام می‌گیرد
و به عبارتی
جایگاه این
مطالعات محافل
علمی است
نه کلیسا و
محافل دینی
با معیارهای
اعتقادی و
مذهبی



می‌رسد که تصور عمومی و حتی تصور بسیاری فعالان علمی و دانشگاهی ما این است که در هر پژوهش قرآنی منابع فارسی و عربی مسلمانان کافی‌اند و به مطالعه دیگر منابع نیازی نیست.

آینده قرآن پژوهی در غرب به چه سمت و سویی می‌رود؟

در دو سه دهه اخیر مطالعات قرآنی در غرب، خود به شکل رشته‌ای مستقل درآمده و با سرعت و حجمی فزاینده در حال انجام و انتشار است. برخی موسسات بزرگ و شناخته شده انتشاراتی در اروپا و آمریکا مجموعه‌ای را به مطالعات قرآنی اختصاص داده‌اند و برخی از آن‌ها کتاب راهنما (یا به اصطلاح کامپنین) برای قرآن منتشر کرده‌اند. همچنین دایره‌المعارفی ویژه قرآن با حجمی گسترده و رهیافتی علمی برای نخستین بار است که در غرب منتشر می‌شود. این دایره‌المعارف را موسسه انتشارات بریل واقع در شهر لیدن هلند منتشر کرده که سابقه‌ای بسیار طولانی و بیش از سه قرن در زمینه انتشار آثار خاورشناسی و به ویژه اسلام‌شناسی غربیان دارد. از مهم‌ترین آثار تدوین شده و منتشر شده در این موسسه مجموعه بسیار مشهور دایره‌المعارف اسلام است که ویرایش اول آن در نیمه نخست قرن بیستم و ویرایش دوم آن در نیمه دوم قرن بیستم منتشر شد و ویرایش سوم آن نیز در دست تدوین و انتشار است. دایره‌المعارف اسلام اثری است که واقعا می‌توان آن را دوران‌ساز خواند، چنان که ترجمه دو ویرایش نخست آن به مهم‌ترین زبان‌های جهان اسلام یعنی عربی، ترکی، اردو و البته فارسی موجب آشنایی محققان مسلمان با مطالعات اسلامی غربیان شد و رونق این حوزه مطالعاتی را در جهان اسلام موجب شد و موجی ایجاد کرد. دایره‌المعارف‌های جدی حوزه مطالعات اسلامی که در ایران در حال انتشار است (یعنی دانشنامه جهان اسلام و دایره‌المعارف بزرگ اسلامی) هر دو به نحوی جدی متاثر و وامدار همین دایره‌المعارف‌اند که چندین دهه پیش‌تر در اروپا تدوین و منتشر شد. دایره‌المعارف قرآن انتشارات بریل را از این حیث و به این معنا می‌توان در امتداد سنت دایره‌المعارف اسلام دانست. با گسترش مطالعات اسلامی پژوهش‌های این حوزه به سمت جزئی‌تر شدن رفته و دیگر شاید نگارش دایره‌المعارفی درباره همه رشته‌های علوم اسلامی دشوار یا حتی ناممکن باشد، بلکه دایره‌المعارف‌ها نیز در سال‌های اخیر به سمت جزئی‌تر و تخصصی‌تر شدن رفته‌اند و در آینده نیز بیشتر از این خواهند رفت.

گرایش‌های مسلمانان در تفسیر قرآن است که اصل آلمانی آن در سال ۱۹۲۰ در لیدن به چاپ رسید. سی سال پس از تالیف، این کتاب به زبان عربی برگردانده شد و بیش از ۵۰ سال بعد به زبان فارسی ترجمه شد، آن هم با توضیحات و تعلیقات فراوان. همین یک نمونه وضعیت ارتباطی ما را با دنیای مطالعات قرآنی در غرب به خوبی نشان می‌دهد.

در طول سال‌های اخیر آثاری از پژوهش‌های غربی در ایران ترجمه شده است. این آثار آیا توانسته‌اند فهم ما را به درک غربی در زمینه‌های قرآن پژوهی نزدیک کنند؟ چه آسیب‌هایی به رویکرد مواجهه محققان ایرانی با چنین آثاری وارد است؟

مطالعات قرآنی غرب در ایران تقریباً هیچ‌گاه به طور جدی مطالعه و نقد نشده است. منابع درسی و منابع آزمون‌ها در رشته‌های مرتبط با مطالعات قرآنی در دانشگاه‌های مختلف کشور از این منابع خالی است؛ دانشجویان در انتخاب موضوع پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی کمتر سراغ آن‌ها می‌روند؛ در بخش کتاب‌شناسی در کتاب‌هایی که حتی مستقیماً با این موضوعات ارتباط دارند خبری از این منابع نیست؛ این‌ها به همراه بسیاری شواهد دیگر موبد این مدعاست. نتیجه ناگزیر چنین تلقی و مواجهه‌ای با مطالعات قرآنی در غرب همین خواهد شد که مطالعات اروپایی زبان در مکتوبات قرآن پژوهی ایران به مثابه بخشی از ادبیات موضوع به شمار نرفته‌اند و نمی‌روند. در یکی دو دهه اخیر متأسفانه تلقی نادرستی در مواجهه با مطالعات قرآنی غربیان در جامعه ما رواج یافته است. اصولاً به نظر



در ایران برخی از کارهای شاخص مطالعات قرآنی به زبان فارسی ترجمه شده است، هر چند تعداد آن‌ها در مقایسه با حجم کارهای منتشر شده به زبان‌های اروپایی واقعا ناچیز است

